

رفاه، یک نقطه اشتراک یا افتراق:

این روزها گویی از مسئولان و هواداران گفتمان انقلاب اسلامی گرفته تا مخالفان نظام، همگی به اتفاق نظر رسیده‌اند که اصلی‌ترین صورت مسأله ما ایجاد «رفاه» است. آیا این موضوع می‌تواند نیروها و گرایش‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را به یک نوع اشتراک یا به قول امام راحل، به وحدت کلمه برساند؟ ماهیت این اتفاق نظر چیست و چه نسبتی با توسعه دنیوی و سعادت اخروی دارد؟ وگرنه مثلاً، وظیفه یک حکومت چیست؟ ایجاد توسعه یافتگی؟ خوب باشد، آن وقت وظیفه حکومت‌های توسعه یافته چیست؟ ایجاد دموکراسی؟ ممکن است پاسخ مثبت باشد، اما ضمن اینکه بسیار احتمال دارد بر سر مفهوم دموکراسی توافق نظری ایجاد نشود (از تشییع پیکر شهید سلیمانی گرفته تا ۱۳ آبان و راهپیمایی روز قدس و نماز عید فطر و... برگزاری به طور متوسط سالانه یک بار انتخابات، حتی اگر بارها و بارها خیابان‌های شهر شاهد تجمعات میلیونی شهروندان باشد) باز هم چیزی تغییر نمی‌کند و هنوز سؤال جای خودش باقی است چون می‌پرسیم وظیفه حکومت‌های دموکراتیک چیست؟ تنش‌زدایی و ایجاد روابط خوب با دنیا؟ این هم مفهومی است که ظاهراً می‌تواند اتفاق نظر ایجاد کند اما در باطن می‌تواند به دلیل عدم توافق بر سر مفهوم «رابطه» (از نظر دیپلماسی خارجی) ماهیت صلح و جنگ و حتی معنای «دنیا» باعث اختلاف نظر شدیدتر شود. از اینکه چرا باید دنیا را مساوی با دولت آمریکا و چند حکومت اروپایی خاص بگیریم گرفته تا خود تعریف ذاتی «سیاست» (که آن را جدال قدرت دانسته‌اند)، ضمن اینکه مجدداً همان مشکل قبلی تکرار می‌شود! (وظیفه و هدف حکومت‌های تنش‌زدا و... چیست؟) ایجاد و تقویت حقوق و آزادی‌های



شهید مصطفی چمران در حال کار در آزمایشگاه (آمریکا)

نیست که مردم را به بهشت ببرد؟ یا نداری؟ مغز خر نخورده‌ام که با کسی که می‌گوید «ممکن نیست یقین داشته باشیم خورشید وجود دارد» بحث دیگری کنم! اما اگر خدا رحم کرد و سر عقل آمدی که: یقین داری خورشید هست... آن وقت باید منظورت را از نسبی‌گرایی توضیح بدهی! تا وقتی به تفکر انتقادی رسیدیم، ببینیم اصلاً درک مشترکی از این تفکر داریم؟!

اما بنا بر اینکه: «تفکر و حکمت ذاتاً از جنس شکر و ذکر است» (وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ... و به راستی لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزارد و هر که سپاس بگزارد تنها برای خود سپاس می‌گردد و هر کس کفران کند در حقیقت خدایی نیاز ستوده است. لقمان آیه (۱۲) و تفکر انتقادی واقعی یکی از فروعات آن (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَّقُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْنَا هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ... همانا که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو. پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. آل عمران آیه ۱۹۱)... می‌خواهیم ببینیم وقتی در «نسبی‌گرایی راستین» این «اشتراکات بین اهل تفکر» است که اهمیت دارد (و این تعریف دیگری است برای «فرهنگ» در معنای فر + هنگفت... یعنی مثلاً اشتراک «میدان ولیعصری» که واقعاً وجود دارد، با بلوار کشاورز و خیابان ولیعصر (ع) و نشانی به معنای «آیات»... آیا می‌توانیم به یک اتفاق نظر که وظیفه حکومت ایجاد رفاه است... امیدوار باشیم؟ یا این حرف را نه مخالفان با بهشت، بلکه این بار مخالفان با توسعه یافتگی می‌زنند؟! مخالفانی که حالا از رشد تکنولوژی بومی هسته‌ای گرفته تا ساخت زیردریایی، نانو تکنولوژی، سلول‌های بنیادی، فرستادن ماهواره به فضا و ... هیچ چیزی برایشان مهم نیست غیر از ایجاد رفاه!

”

مخالفانی که حالا از رشد تکنولوژی بومی هسته‌ای گرفته تا ساخت زیردریایی، نانو تکنولوژی، سلول‌های بنیادی، فرستادن ماهواره به فضا و ... هیچ چیزی برایشان مهم نیست غیر از ایجاد رفاه!